

حس ملیت و وطن خواهی و طریقه تولید آن نزد اطفال

تولید این حس که یکی از مهمترین وظایف معلمین است باید طوری در کله و دماغ اطفال ثابت و جایگیر بشود که طفل از آغاز عمر بلوازم ملیت و خصایص وطن پرستی پی برده و بهر اندازه که معلم در این زمینه سخن میراند در کله و وجود طفل محسوسا این حس تولید بشود و مثل پاره تعلیمات یک دوره آموختن و یک دوره ثانوی عمل کردن محتاج نباشد و یا امثله و شواهدی که معلم ذکر می کند اذهان اطفال متوجه بحقیقت این مقصود شده لوازم ملیت و وطن خواهی در خواطرشان مرکوز گردد پس برای یاد آوری و تذکر خاطر آقایان معلمین مدارس ابتدائی بیفایده نخواهد بود که اجمالا بدرج پاره مطالب مختصه با این مقصود پرداخته و تدریجا مباحث وطن پرستی و ملیت و راه انسداد نفاق قومیت را بطور خلاصه ذکر نمائیم

وطن پرستی - مقصود از یک نوع محبتی است که بواسطه وحدت نژاد و یکی بودن زبان و توطن در یک قسمت از اراضی دنیا و بالاخره بواسطه توافقی خیالات و عواطف فیما بین یک ملت یا یک عده جمعیت زیاد انسان حاصل میشود و این الفت و محبت باعث میشود که افراد این ملت و جماعت طبعا در نفع و ضرر و غم و شادی و دیگر آداب و رسوم سهیم و شریک بوده از هر گونه تعاون و تعاضد یکدیگر مضایقت نمایند حتی در صورت لزوم برای محافظت همدیگر جان نثاری کنند و سایر امور این وطن پرستی یک قسم حس اتفاق و یگانگی است که بین افراد ملتی تولید شده و نتیجه اش این است که شخص همیشه نفع خودش را در ضمن منافع عامه خواسته و بکلی مطیع جریان عمومی ملت خود می باشد

حس وطن پرستی که باعث ایجاد ملل معظمه دنیا شده بواسطه علل مختلفه تولید گفته است و ما تدریجا آن علل را بنظر قارئین محترم میرسانیم :

وحدت نژاد - این وحدت باعث میشود که افراد با یکدیگر الفت بهم رسانیده و رفته رفته عامل مؤثر

تشکیل ملیت میشود و بر فرض اینکه رشته اتصال این وحدت را قطع و فصل هم بکنند بالاخره راه وصل بدست آورده دیر یا زود متصل خواهد شد چنانکه اخیرا اراده اتصال صربى نژادان مملکت اطریش هنکری بدولت صرب آتش افروز معر که جنک بین الممالک و شعله افکن حرب جهان سوز شد .

اگر چه مسئله وحدت نژاد طبعا موجب تفکیک این نوع بشر میشود معینا بر آقایان معلمین وارد است که اجنبی شمرده نژاد های مختلفه ساکنین و متوطنین ایران را از نظر اطفال دور کرده سلوک رأفت آمیز بین انسان را در نهاد اطفال مرکوز داشته خاطر آنها را بنصفت طلبی و عدالت خواهی معطوف دارند و از هر نژاد وظایفه که خود را ایرانی نامیده و قوانین موضوعه مملکت ما را مطیع و در ایران متوطن بشود جزو هموطنان ماشمرده و محسوب دارند چنانکه دولت سوئیس از نژاد های مختلفه تشکیل یافته معینا با نهایت صمیمیت نسبت به دیگر سلوک کرده هموطن و متحد شده اند باوری این راهم متذکر شویم که وحدت نژاد برای تشکیل ملتی همیشه مؤثر نیست و دخالت آن در مقال سایر علل غالبا بی اثر است چنانکه اهالی اتانزونی با وجود آنکه انگلیسی نژاد بودند معینا خود را در قرن هجدهم از تحت قید دولت انگلیس خارج ساخته مستقل نمودند و **وحدت زبان** - اگر چه یکی بودن زبان عامل قوی و بنیان اصلی ایجاد ملیت نمی تواند بود چنانکه سکنه امریکای جنوبی با وجود تکلم بزبان اسپانیولی در قرن نوزدهم شورش کرده و خودشان را از قید دولت اسپانی مستخلص نموده مستقل شدند و همچنین بر عکس اهالی ولایات سوئیس که بالسنه مختلفه منگامند و ما خود را اهل سوئیس دانسته تشکیل آن دولت را داده اند معذالک وحدت زبان در ایجاد ملیت اثرات کلی داشته موجب بسط روابط ظاهری و سبب اتصال عواطف معنوی نزع انسان خواهد بود و بواسطه وحدت لسان تولید نمودن و یکجتهی بین افراد سهل و زودتر فراهم خواهد شد

آز اس میگوید: ملل مغلوبه مادام که زبان اصلی خود را کاملاً محفوظ بدارند مانند مجوس هستند که کلید محبس را با خود داشته باشند و نیز قوی ترین شاهدایت که ملل متمدنه حتی المقدور سعی دارند که زبان خود را در ممالک خارجه و بین ملل واقوام مختلفه رواج داده و از این طریق بر عده معتقدین و هوا خواهان خود بیفزایند بقیه دارد

اسمعیل مرآت دیپلمه از دار المعلمین فرانسه
معلم فیزیک و ناظم دار المعلمین طهران

و برای نیل بهمین مقصود است که کلبه دول فاتحه حتی الامکان سعی دارند ملل مغلوبه خود را از تکلم بزبان ملی باز داشته و مجبور بتلفظ لسان متداوله خود نمایند تا اینکه رفته رفته زبان امی ملل مغلوبه محو و منطمس شده بواسطه فرا گرفتن زبان دول غالبه عقاید و عادات ملی خود را فراموش کرده یک باره مستحیل بدولت و ملت فاتحه بشوند و آرزوی حکومت دیرینه خود را بکلی از قلب و خاطر دور نمایند چنانکه آلفونس درده نویسنده معروف فرانسوی از قول یکی از معلمین

قوه بیان

درس طوطی واری - یکانه راه علاج

جنگ کرد و . . . و . . . در سو رتیکه جواب سائل فقط یک جمله بیش لازم نداشت .

و نیز مثلا اگر سؤال شود که آسیا در کدام طرف اروپا واقع شده فوراً بدون فکر و تأمل متنها بصرف عبادت جواب می دهد: آسیا از طرف شمال محدود است با قیانوس منجمد شمالی و از طرف جنوب با قیانوس هند و از طرف مشرق با قیانوس کبیر و . . . اگر بعد از آن بلا فاصله از همان شاگرد سؤال شود که اقیانوس هند در کدام طرف آسیا واقع است در جواب یا ساکت میشود یا جواب می دهد: در طرف مغرب . . . از طرف دیگر هرگاه برای امتحان یک عده شاگرد و هم طبقه گفته شود که: کاغذی بعموی خودتان نوشته و ایشانرا در فلان موضوع تبریک یا تسلیت گوئید . عموم یا اغلب اذن عین عبارت کتاب انشاء را که بد بختانه بجای استفاده مانند دعا و قرآن از حفظ کرده اسباب سهولت کار ایشان و خلاصی از فکر و عدم تقویت قوه متصرفه شده است (کلمه بکلمه می نویسند - در صورتیکه کریک جمله از وسط را بخواهند عبارت دیگر را خیلی ساده تبدیل کنند چون ابداء زحمت ب فکر خود نداده و قوه متصرفه را تقویت نکرده اند عاجز خواهند بود گذشته از آنکه این بیش آمد ها مستقیماً راجع بشاگرد نیست و عیب از جای دیگر است یکی از از علل عمده آن است که شاگردان تجزیه و

لابد غالب مطالعه کنندگان این مقاله در مواقع امتحان مدارس حاضر بوده و تماشا کرده اند و البته پیش خود فکر کرده و یا از یک دگر پرسیده اند که چرا این اطفال بیچاره با این همه زحمت انطور که شاید قوه بیان نداشته و دروس خود را عمقا نفهمیده اند . گویا جای تردید نباشد که در صدی ۹۵ از محصلین دروس خود را عمقا نفهمیده و اسکر همان درس را بعبارت دیگر بخواهند قطعا از عهده نخواهند آمد - دلیل صدق این ادعا آنکه هرگاه بخواهند شاگردی یک صفحه درس کتاب خود را که باسانی می خواند بعبارت دیگر (ولو هر قدر ساده و عامیانه) انشاء کنند البته عاجز خواهد بود .

مثلا هرگاه از شاگردی سؤال شود که انوشیروان عادل که بود . بجای آنکه فقط بگوید: معروفترین پادشاه ساسانی بود - بر خلاف مانند چرخ فلک تند تند می گوید: انوشیروان عادل از سلسله ساسانی بود و پیغمبر ما در زمان این پادشاه متولد شد و او با رویان جنگید و . . . و . . . بهمین طور یا یک صفحه کتاب تاریخ را طوطی وار از حفظ می خوانند و یا آنکه ممکن است یک مرتبه ترمز را بیچاییده و در وسط مطلب در ضمن عبارت مثلا: پای تخت این پادشاه مداین بود می گوید: مؤسس این سلسله اردشیر بابک بود و نسب او بساسان میرسید و او با اردوان چهارم

تا امتحان آخر سال) بی شبهه این قفله تا بحشر لنگ است و هر قدر اطفال لغت از حفظ کنند امید ترقی و تحصیل قوه بیان و صحت تحریر نمبرود زیرا که تمیز معنی: متالم و متعلم را مثلا فقط بگفتن معلم و یا بنوشتن ذیل صفحه کتاب نیست بلکه باید مصدر مجرد و مزید هر دو را دانسته و ماده اشتقاق هر يك را تمیز دهد که یکی از الم است و یکی از علم و علاوه بگمده از کلمات مترادف آنها را باید بداند مثلا اگر بگویند در عبارتی متعلم و متالم را با کلمه مترادف دیگر بنویسد تا کرد بتواند بنویسد: که متعلمین و محصلین از عدم ترقی خود متالم و متائی شدند؟ ...

بعقیده ما مادامیکه صرف افعال مجرد و مزید و اشتقاق و تجزیه کلمات عرب جزء پر کرام نیست ابدأ امید آنکه شاگردان دروس فارسی خود را مخصوصا کتب قرآنی خوب بفهمند یا آنکه املاء و انشائی را صحیبا بتوانند امید جوانی شدن پیر و کرسنه بودن سیر است و برای استحضار خاطر اشخاصیکی زبان عرب را برای ما اجنبی میدانند (یک نظر هم حق دارند) میکویند که مقصود تدریس زبان عرب در مدارس ابتدائی نیست بلکه مقصود اصلی بنه آن است که صرف و اشتقاق لغات متداوله و معموله عرب را که کابلا جزء زبان ما شده و حتی در بعضی آنها تغییرات و تحریفات نیز شده است در کلاس ۵ و ۶ بشا کرد یا موزند خواه در ضمن نطق و بیان و خواه بواسطه املاء و تکلف و خواه در سایه تالیف کتب مخصوصه برای صرف و اشتقاق کلمات عرب

این بود روح عقیده و تصور ما و راه چاره که برای جلو گیری از طوطی واری بودن تحصیلات ابتدائی (واگر نمی ترسیدم می گفتم: متوسطه هم! ...) بنظر رسیده است افسوس که مقاله بنظر غالب اطباء این فن نمی رسد و اگر هم برخی متخصصین مطالعه کرده و فهمیدند که قیاسات این قضیه با خود اوست و منطبق دعوی مسلم و آشکار است شاید بعضی تصورات مانع از بعضی تصدیق یا تعقیب این موضوع باشد؟ ...

حبیب الله آموزگار

اشتقاق لغات عربی دروس خود را از هر قبیل باشد نمی دانند - و بدبختانه بعضی کتب هم بصرف تقلید کتب اروپائی لغات عربی انرا در ذیل بلغه دیگر معنی کرده است در صورتیکه اولاً غالب کتب اروپائی ترجمه لغت ندارد و اگر معهودی هم دارا باشد غالب در آخر کتاب تفسیر شده است که جلو نظر طفل نباشد باوصف آنکه مطلقا تفسیر لغات در کتاب مضر یا نظما ضرر از بیش از نفع است!

این جمله سبب شده است که اطفال بدانستن معنی لغات بطور انفرادی و جزء جزء مغرور شده و بیش خود تصور کرده اند که مطلب را خوب فهمیده اند در صورتیکه بیچاره شاگرد ندا نسته است که ندا نسته است - بدلیل آنکه يك جمله را که نام لغات ان را به تنهائی می داند نمی تواند مقصود انرا بن کند و یا بعبارت دیگر بنویسد

ماعیب اساسی علت العلل این بیش آمد هارا منحصر بیک چیز می دانیم:

ما معلم ندا ریم! ... چون معلم ندا ریم مؤلف ندا ریم! چون مؤلف ندا ریم کتتاب نداریم! ... زیرا که معلم مؤلف است و تالیف کتب کلاسی را غیر از معلم نشاید زیرا که مکرر گفته ایم و گفته اند که: عالم غیر از معلم است

پس راه چاره آنست که ما معلم کافی ولایق تهیه کنیم و راه تهیه آن هم بدست وزارت حلیله معارف است که خوشبختانه از چندی باین طرف در مقام بر آمده و کم و بیشی هم موفق شده و میشود.

این عیب و علاج که گفته شد در موضوع تمام دروس قرآنی و کتبی و حفظی است ولی برای عدم پیشرفت زبان فارسی و نداشتن قوه بیان و تحریر علت دیگر بنظر ما رسیده که ذیلا عیب و علاج آن را باطلاع عموم میرسانیم تا اگر اولیاء معارف قبل توجه دیدند در مقام عمل بر آیند.

در زبان فارسی امروزه ما صدی هفتاد تقریبا لغت عربی داخل شده و جزء زبان شده است و مسلما تا وقتی که صرف و اشتقاق کلمات عرب جزء پر کرام ابتدائی نشده و در کلاس ۵ و ۶ خوانده نشود (یعنی بطور اجبار